

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها - (جله اول) - موضوع: سیر کوفایی امت

جله پنجم - استاد اخوت ۱۶/۱۲/۹۶

برای سلامتی همه خدمت گزاران به دین، صلواتی ختم بفرمائید.

قبل از شروع بحث، هر کس به رسم ادب و اضطراری که دارد حاجات قلبی خود و حاجات قلبی اش را نسبت به دیگران در نظر بگیرد که ان شاء الله این جلسه، جلسه دعا و ذکر باشد و به منظور اینکه این دعایی که در ذهن می-آوردید به ویژه برای کسانی که هنوز ازدواج نکرده اند، افرادی که ازدواج کرده اند و بچه دار نشده اند و کسانی که در تربیت جسمی و روحی فرزندانشان مانده اند، مستجاب باشد، صلوات دیگری ختم بفرمایید.

مباحث ایام فاطمیه را در این جلسات ادامه خواهیم داد. موضوع در خصوص امام دار شدن، شکوفا شدن، سیر رشد امت و به تبع سیر رشدی که هر فرد به واسطه امام باید داشته باشد، است که در چهار جلسه گذشته مطرح شد. افرادی که مباحث قلبی را را نشنیده اند می توانند از اینجا پیگیر جلسات باشند و چنانچه برایشان ابهامی وجود داشت، به جلسات گذشته رجوع کنند و یا می توانند تا تکمیل شدن کتاب صبر نمایند.

به طور بسیار مختصر اینطور مطرح شد که زمانی که انسان تحت تاثیر امامت قرار می گیرد، انتظار می رود به امت تبدیل شود و از سویی تا وقتی به امت تبدیل نشوند، مفهوم امت را درک نخواهد کرد. بین این دو ارتباط نزدیکی وجود دارد. روایت هایی مطالعه شد و در ادامه روایت های دیگری را مورد بررسی قرار می دهیم.

یکی از بحث هایی که مطرح شد این بود که ما دوازده امام داریم و تاکنون فکر می کردیم که امام اول رحلت کردند و امام دوم جایگزین شدند و ... احساس کردیم هر کسی در زمان خودش امامی دارد که او را از امامان قبل و بعد مستغنی می کند. تصورمان این بود که هر کس در هر دوره ای فقط امام عصر خودش را دارد و نیازی به فرزندان و یا پدران آن امام ندارد.

اما طبق نظری که از روایات استخراج شد بر حسب ظاهر این گونه نیست، وقتی بنا بر این باشد که نظام امامت داشته باشیم، می‌بایست دوازده امامی باشیم و در این راستا نمودارهایی ارائه شد.

امام اول داشتن یعنی؛ برای هر عملی و در هر زمانی باید‌ها و نبایدهایی داشته باشیم. امام دوم داشتن یعنی؛ برای خود آگاهی در هر عمل و هر زمان و الی آخر، الگویی داشته باشیم.

در همین خصوص در کتاب عوالم العلوم (خوب است کتاب را ببینید) آمده است که از پدران امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کنند تا به امام حسین (علیه السلام) برسد..، که روایت بسیاری عجیبی است و نشان می‌دهد که ما به همه اهل بیت (علیهم السلام) نیازمند هستیم.

«الفضائل و الروضة فی الفضائل لشاذان بن جبریل:

«بالاسناد» یرفعه إلی علی بن موسی الرضا، یرفعه إلی النسب الطاهر الزکی، إلی سید الشهداء الحسین بن علی علیه

السّلام قال: قال لی أبی: قال أخی رسول الله صلّی الله علیه و آله:

من سرّه أن یلقى الله تعالی مقبلا علیه غیر معرض عنه، فلیوال علیاً.

و من سرّه أن یلقى الله تعالی و هو عنه راض، فلیوال ابنه الحسن علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله تعالی و هو لا خوف علیه، فلیوال ابنه الحسین علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو یمحّص عنه ذنوبه، فلیوال علیّ بن الحسین علیه السّلام السجّاد.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو قریر عین، فلیوال محمد الباقر علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو خفیف الظهر، فلیوال جعفر الصادق علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو طاهر مطهر، فلیوال موسی الکاظم علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو ضاحک مستبشر، فلیوال علیّ بن موسی الرضا علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و قد رفعت درجاته، و بدّلت سیّئاته حسنات، فلیوال محمد الجواد علیه السّلام.

و من أحبّ أن یحاسبه الله حسابا یسیرا فلیوال علی الهادی علیه السّلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو من الفائزین فلیوال الحسن العسکری.

و من أحبّ أن یلقى الله و قد کمل إیمانه و حسن إسلامه، فلیوال الحجّة صاحب الزمان القائم المنتظر المهدي «م ح م

د» بن الحسن.

فهؤلاء مصابيح الدجى و أئمة الهدى و أعلام التقى، فمن أحبهم و تولّاهم، كنت ضامنا له على الله الجنة^۱.
هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالیکه خدا به او رو می کند و از او اعراض نمی کند، باید ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالیکه خدا از او راضی است، ولایت امام حسن (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند و به مقامی برسد که نگرانی برایش متصور نشود، ولایت امام حسین (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند و خداوند گناهانش را ببامرزد، ولایت امام سجاد (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد چشمش روشن شود و قره العین داشته باشد، ولایت امام باقر (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که وزر و وبالش کم باشد و مسئولیت هایش به گردنش سنگین نباشد، ولایت امام صادق (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالیکه طاهر و مطهر است، باید ولایت امام موسی (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالیکه هم خندان است و هم بشارت به او داده شده است، پس ولایت امام رضا (علیه السلام) را بپذیرد.

هر کس دوست دارد درجه اش بالا رود و سیئاتش به حسنات تبدیل شود، ولایت امام جواد را بپذیرد و

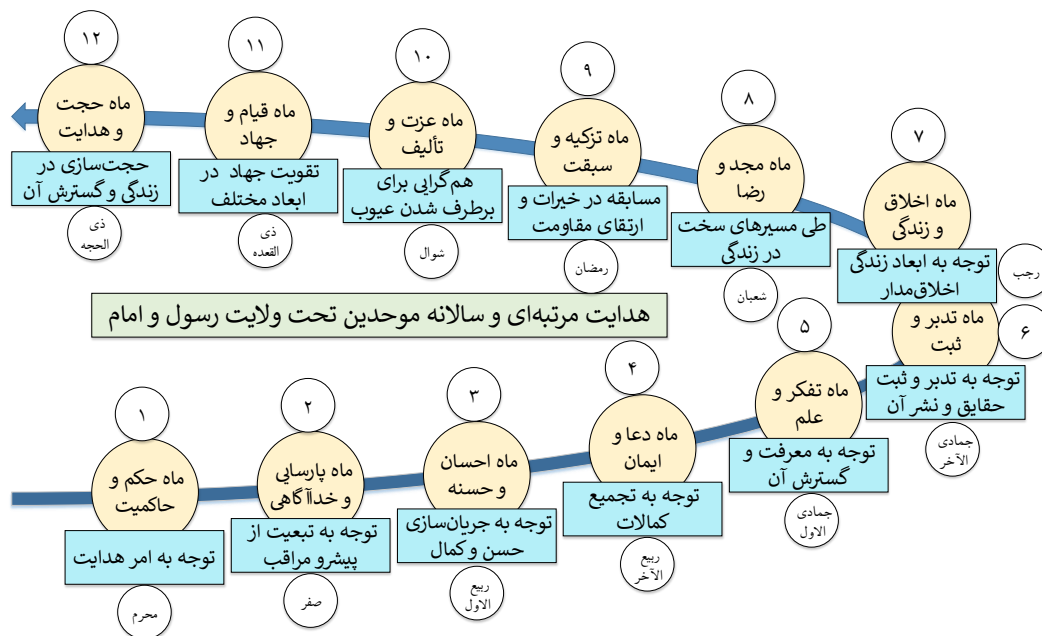
این روایت زمانی نقل شده است که هنوز اهل بیت (علیهم السلام) همه متولد نشده بودند اما حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرموده اند باید ولایت ایشان پذیرفته شود.

^۱ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال-الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، النصوص، ص ۲۹۱

سَر این موضوع را در «نقش ائمه در امت سازی» قبلا بیان کردیم و روایت‌ها در این باب از حد شمارش خارج شد. به ویژه در کتاب عوالم العلوم مجموعه این روایت‌ها جمع آوری شده است. بحثی که پیگیر آن شده‌ایم این است که بر اساس ولایت اهل بیت (علیهم السلام) باید اتفاقاتی در زندگی ما رخ دهد که البته به این مطالب قبلا اشاره کردیم و دوازده حالت شرح داده شد و به بحث شب و روز رسیدیم.

ولایت‌پذیری را در سه بُعد نسبت به هر عمل و در هر زمان و بعد نسبت به حرکت و قیام و بُعدی که نسبت به نتیجه-بخشی و حرکت است، مطرح کردیم. این موارد چرخه ایجاد می‌کند.

نموداری بر اساس کتاب «شکوفایی امت»



طبق آیات قرآن دوازده امام، معادل دوازده ماه در نظر گرفته می‌شود. ممکن است کسی بگوید اینکه در قرآن نیامده است! اما در روایات آمده که منظور از این دوازده شهر در آیه، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. این یک روایت عادی نیست که بخواهیم از آن راحت بگذریم.

اگر قصد داشته باشیم که نظام ولایی را در زندگی فردی پیاده کنیم، باید هر ماه را به امامی منسوب کنیم و نسبت به امری که به هر امام نسبت داده شده است، خود را ملزم کنیم.

ماه اول، ماه محرم است که توجه بیشتر باید بر روی «حکم‌ها، حاکمیت خدا و دین» باشد. عنوان ماه محرم توجه به حکم‌ها و حاکمیت‌ها شود. به حکم‌ها توجه و خود را ارزیابی کرده و نقاط ضعف خود را در این زمینه اصلاح کنیم. این ماه، ماه احیای دین است. «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»، این پیام حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) است.

بنده ماه محرم را ماه اول در نظر گرفته‌ام که البته الزامی نیست، شما می‌توانید ماه دیگری را ماه اول قرار دهید. در روایت بیان نشده است که محرم ماه فلان چیز است اما به ائمه عنوان و هر امام را در امری مهم جلوه داده است.

ماه دوم را ماه صفر، ماه «پارسایی و خداآگاهی و پر رنگ شدن تقوا» قرار داده‌ایم.

ماه سوم ماه ربیع الاول است که «پر رنگ شدن احسان و حسن» در این ماه صورت می‌گیرد.

ماه چهارم، ماه ربیع الاخر ماه «دعا، ایمان، ذکر و توجه به تجمیع کمالات» است.

ماه پنجم، ماه «تفکر و علم» می‌باشد. لازم است تفکر انسان و ارزیابی علم به صورت سالیانه بررسی شود.

ماه ششم، ماه «تدبر و ثبت» است که انواع ثبت‌ها از جمله ثبت‌های علمی و خاطره‌ای را می‌توان انجام داد.

ماه هفتم، ماه «اخلاق، زندگی و توجه به ابعاد زندگی اخلاق مدار و سبک زندگی توحیدی» خواهد بود. در این ماه

رجب باید دید و بررسی کرد که سبک زندگی ما چگونه است و از کفار در زندگی ما چه سهمی وجود دارد.

ماه هشتم، شعبان است. ماه «مجد، رضا و طی مسیرهای سخت در زندگی» و همچنین ماه آزمون بندگی است.

ماه نهم، ماه رمضان، ماه «تزکیه و سبقت در خیرات و ارتقاء مقاومت» خواهد بود.

ماه دهم بسیار مرتبط با نماز عید فطر و ماه «عزت و تألیف» است.

ماه یازدهم، مرتبط با «قیام و جهاد» است.

ماه دوازدهم، ماه «حجت، هدایت و همچنین ماه عبادت‌های خاص و چله گرفتن‌ها» می‌باشد.

یکی از راه‌های امام دار شدن این است که انسان در زندگی اش هر ماه را به نام امامی ثبت کند، در این صورت هر ماه برای انسان نماد یک امام می‌شود و ماه‌هایش امام‌دار می‌شوند. بر این اساس روایت دیگری قبلاً خوانده شد که در آن حتی هفته‌ها و روزها را هم به امام منصوب کرده بود، بدین گونه که شنبه باطن رسول الله است و... در روایتی دیگر نیز شنبه را به اسم رسول الله و الی آخر بیان کرده‌اند. در این روایات دوازده امام به هفت روز تجمیع می‌شوند. امام هفتم تا دهم باطن چهارشنبه و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) باطن دوشنبه ذکر شده‌اند.

هر روز را می‌توان به امامی اختصاص داد. در روزها هم امامان یادآوری می‌شوند. سیر رشد انسان‌ها با این ماه‌ها و روزها مشخص می‌شود. اگر انسانی تحت ولایت ائمه (علیهم السلام) قرار بگیرد یعنی در هر روز و ماه به موارد گفته شده توجه کند، هفت دوره در زندگی اش ظهور می‌کند؛ دوره اول دوره حرکت و برانگیختگی، دوره دوم، دوره حکم و حکمت‌دانی و دوره سوم، دوره جاری کردن حسن و تقوا خواهد بود. ممکن است دوره، هفت یا شش یا چهار سال باشد اما در هر صورت دوره است و از چند سال تشکیل می‌شود. این موارد را بر اساس آیات و روایات برای دوره‌های رشد قبلاً استخراج کرده‌ایم.

وقتی ماه‌ها امام دار شوند، دوره‌های زندگی انسان نیز امام‌دار می‌شوند که البته دوازده دوره نیست بلکه هفت دوره مطرح می‌شود. هفت را بر اساس روزها در نظر گرفته‌ایم که دارای فشردگی هستند و البته می‌توان حتی دوازده دوره سه ساله نیز داشت. به عنوان مثال دوره سوم که دوره نوجوانی است، زمان «آموزش تدبیر و تدبیر» است یا دوره چهارم دوره «ظهور زندگی اخلاق‌مدار و سبقت در خیرات» است. دوره پنجم که حدود ۲۵ تا ۳۰ سالگی است دوره «مقاومت و جهاد» است و دوره آخر دوره «حجت و قیام» است که فرد به مقام رهبری دست پیدا می‌کند.

فرض کنید حضرت آقا (مد ظله العالی) اعلام کردند که سال اقتصاد مقاومتی است. بعد می‌بینند که می‌بایست چند سال بگذرد تا اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد و بعد دهه اقتصاد مقاومتی می‌گذارند. بنابراین باید در دهه اقتصاد مقاومتی و سال اقتصاد مقاومتی دوازده مؤلفه ایجاد کنید. در صورتیکه این دوازده مؤلفه با هم محقق شود، می‌توان نامش را اقتصاد مقاومتی گذاشت. برای هر ماه روی یک موضوع و مؤلفه کار شود.

اگر کسی بخواهد واقعا عمل کند و شعار ندهد، حتما باید شعار را مولفه‌بندی و هر ماه روی یک مولفه کار کند. اگر کسی بخواهد واقعا کار کند، می‌بایست تفصیل دهد و مولفه‌بندی کند. بعد که مولفه‌ها معلوم شد، می‌توان مولفه‌ها را تجمیع کرد.

در روایات بر روی روزها و ماه‌ها این کارها زیاد انجام شده است و ما بر اساس الگوهای موجود در روایات انجام داده‌ایم.

آخر بحث ما باید به کاربردی منجر شود. کاربردش این است که باید امام‌دار کردن زمان‌ها اتفاق بیفتد. هر کس بتواند زمان‌های خود را امام‌دار کند، امام‌دار می‌شود.

خیلی از افراد اظهار می‌کنند که وقتی به عتبات می‌روند، شئونات مختلف امامان (علیهم السلام) برای آنان ملموس نیست. چرا این تفاوت‌ها احساس نمی‌شود؟

انسان باید به این سوال پاسخ دهد که آیا حس شب با حس روز برایش متفاوت است یا خیر؟ آیا دریافت‌های معنوی او طی روز و شب تغییری کرده است یا خیر؟ اگر روز و شب فرد در دریافت‌های ملکوتی‌اش یکسان باشد، در این صورت نمی‌تواند تفاوت بین ائمه (علیهم السلام) را احساس کند!

لازم است از جایی به بعد زندگی ما تغییر کند. اولین مشکل در زندگی ما، عدم تمایز بین شب و روز از نظر دریافت‌های ملکوتی است و یا اساسا ممکن است دریافتی نباشد. وقتی شب و روز شما متفاوت شد، می‌توانید بررسی کنید نوع ارتباط شما با خدا در شب و روز چگونه تغییر می‌کند. وقتی که شب دار شدی و توانستی با تلاش شب و روزی را متفاوت کنی، حالا وقت اوقات دار شدن است. صبح‌دار شوی، ظهر‌دار شوی، دریافت‌های ملکوتی صبحانه، ظهرانه و عصرانه‌ات و... باید متفاوت باشد. باید پنج وقت داشته باشی. امام مغرب را نماز مغرب قرار می‌دهد و امام عشاء را نماز عشاء قرار می‌دهد. نمازها با هم فرق دارد. در ابتدا یک قصد است و بعد کم‌کم به دریافت‌های متفاوت تبدیل می‌شود.

انسان دارای ابعاد بسیاری است و دریافت‌های متفاوتی دارد. خدا انسان را مظهر اسماء مختلف قرار داده است. در وقت سحر، اسم «غفور رحیم» جاری می‌شود و به همین دلیل «استغفار» توصیه شده است. پس گام دوم، وقت‌دار شدن و گام سوم روز‌دار شدن است. نماز صبح روز یکشنبه، نماز ظهر دوشنبه و ...

روز یکشنبه کدام ماه؟ این موارد انسان را تحریک می کند و علم و معرفت در انسان از طریق زمان القاء می شود. اگر کسی از این طریق وارد شود، برای کسب معرفت نیازی به بلا ندارد. اگر انسان با این مولفه ها درس بگیرد، نیازی به بلا نیست.

انسان اکثر اوقات جلب کننده بلاها است، چون معرفت القایی است و انسان مجبور می شود که در مواجهه با حادثه- ای قرار بگیرد تا بفهمد. بنابراین انسانی که می داند عالم پر مدار مواجهه و القائات است، باید این مواجهات را تنظیم کند تا حقایق بر او جاری شوند.

مغرب	توبه و پذیرش برای...
عشا	ذخیره سازی و تصمیم سازی برای..
صبح	آغاز اقدام در...
ظهر	مقابله با آسیب های ...
عصر	بهره مندی از مواهب ...

مغرب محل توبه و پذیرش است و می بایست در این زمان انسان توبه و پذیرش داشته باشد. در مغرب توجه داشتن به خدا و آمادگی برای دریافت حقایق لازم است.

عشاء، وقت ذخیره سازی و تصمیم سازی برای زندگی است. در وقت عشاء لازم است تصمیم گیری و برنامه ریزی را شروع کرد.

صبح، زمان آغاز و اقدام و ظهر، مقابله با آسیب ها است. ظهر که می شود ممکن است خیلی چیزها بدست آورده باشید و خیلی چیزها را بدست نیاورده باشید. در این زمان آسیب ها نمود پیدا می کنند. رفتارها باید رفتار بهره مندی و مقابله ای باشد. از یک طرف باید از دستاوردها استفاده کرد و از سوی دیگر باید با آسیب ها مواجهه شد.

عصر زمان بهره‌مندی از مواهب و خیر گرفتن برای کارهای بعدی محسوب می‌شود. این موارد ماتریسی درست می‌کنند که در روزها ضرب می‌شوند؛ مثلاً می‌شود مغرب شنبه.

بنابراین می‌توان گفت مغرب شنبه توبه‌ای از جنس برانگیختگی خواهد داشت. مغرب یکشنبه، توبه‌ای می‌خواهد که انسان را از ندانستن حکم و حکمت خارج کند و باید از غفلت‌هایی که در حوزه حکم و حکمت است، توبه کرد. مغرب دوشنبه، توبه از حسنه و تقوا نداشتن، مغرب سه شنبه، توبه مهیا شدن برای تدبیر، مغرب چهارشنبه، توبه از بی‌اخلاقی و مغرب پنجشنبه، توبه برای جهاد می‌باشد، توبه از مواردی که مقاومت نکرده و باید توبه کند و آماده جهاد شود. عشاء شنبه، تصمیم‌گیری برای حرکت، عشاء یکشنبه، تصمیم‌گیری برای حکمت‌دانی و عشاء دوشنبه، تصمیم‌گیری برای تقوا و ارتقا حسن در نظر گرفته شده است.

این مطالب می‌بایست به ما آموزش داده می‌شد. در حال حاضر برای این مطالب در ذهن ما جایی وجود ندارد. این موارد باید در هفت سال دوم گفته می‌شد. تمایز روز و شب و تفاوت دریافت‌ها لازم بود در هفت سال دوم بیان می‌شد. اوقات در دوره هفت سال سوم یعنی دوره نوجوانی باید به فرد ارائه می‌شد. از نوجوانی باید صبح‌دار می‌شدیم. نظام آموزشی اجازه نمی‌دهد چنین اتفاقی بیفتد!

اولین حمله شبه نظام شیطان، گرفتن اوقات و بالسویه کردن شب و روز است که بسیار خطرناک می‌باشد. در واقع با این کار دریافت‌های ملکوتی یک موجود پاکیزه ملکوتی و فطری را غصب می‌کند، که اگر چنین نبود، این انسان می‌بایست زمانی که وارد عشاء یکشنبه می‌شد شروع به تصمیم‌گیری برای پر شدن از حکم و تقوا می‌کرد. اگر فردی از ابتدا اینگونه تربیت می‌شد، اکنون مشکلی پیدا نمی‌کرد. این برنامه‌ریزی دوره نوجوانی است.

از اسماء اهل بیت «جبران‌کنندگی» است به شرطی که برای جبران همت به خرج دهیم.

برای ما امکان بیشترین سهم را در القاء معنویت دارد در حالیکه در روایات، زمان است که بیشترین القاء را برای معنویت دارد. آنقدری که زمان حامل معنویت است، مکان حامل معنویت نیست.

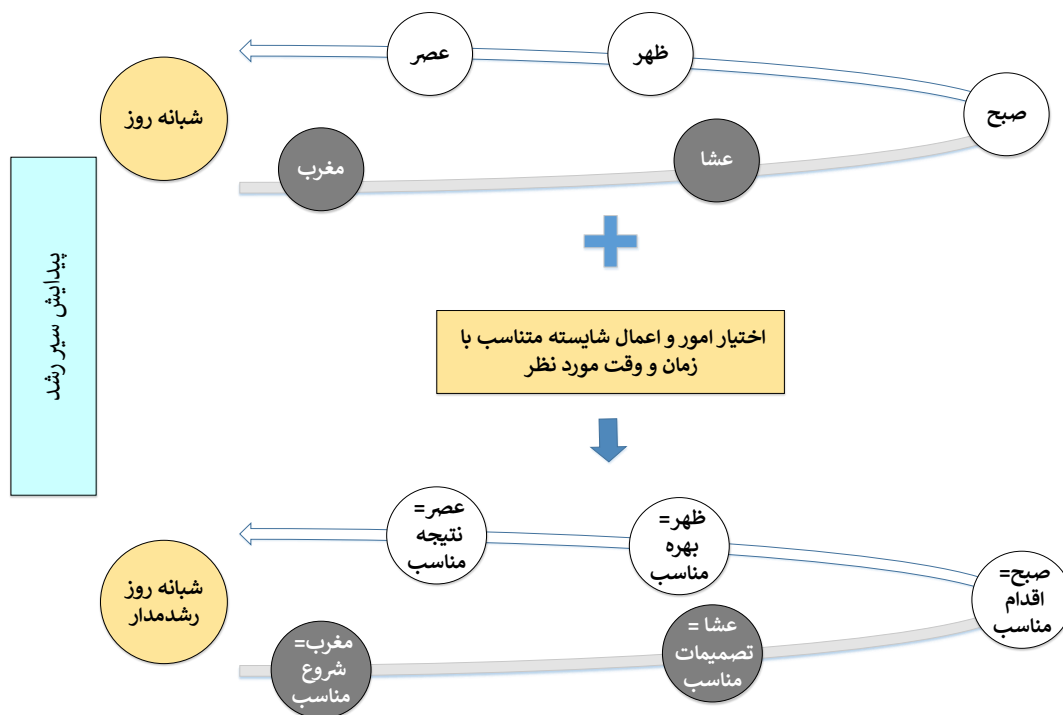
زمان ذات عمل انسان است و تفوق دارد. اصل معنویت در زمان است و مهم‌ترین خباثت شیطان در زندگی انسان، غصب زمان است و بیشترین اغوای شیطان در زمان است. حتی در تولد نوزادان عنصر زمان است که سلامت نوزاد را از حیث سلامت به بیماری سوق می‌دهد. در روایات خوانده‌اید که برای بچه‌دار شدن زمان را ذکر کرده‌اند. این

موارد بر پایه زمان بوده است. شرک شیطان بوسیله زمان اتفاق می‌افتد و احیای زمان از رسالت‌های قرآن و ائمه (علیهم السلام) است.

این مثال را در نظر بگیرید؛ می‌خواهید در رویش گیاه بذری بکارید، اینکه در چه زمینی می‌کارید و چه آبی می‌دهید، مهم است. نور و ظلمت عامل اصلی رویش است، روز و شب. حتی محدودیت وجود یک گیاه در مکانی، بر اساس تمایلش به میزان نورخواهی است. سهم نور نسبت به بقیه شرایط نود و نه به یک است! خاصیت تسخیر انسان در پرورش گیاهان وجود دارد. ایجاد زمان‌های مجازی برای گیاهان و تغییر در سرعت رشد گیاه توسط انسان اتفاق می‌افتد و می‌تواند مثالی برای رشد خود انسان باشد؛ یعنی صبح و ظهر و عشاء درست کنیم.

نمازهای قضایی که می‌خوانیم برای خودمان شبیه‌سازی زمان‌ها است.

شبانه روز از مغرب، عشاء، صبح، ظهر و عصر تشکیل شده است.



این مهم است که انسان همین مقدار ادب عبودیت داشته باشد که در هر زمان کاری که مقتضی آن زمان است، انجام دهد. در این صورت شبانه روز فرد، شبانه روز رشد مدار خواهد شد؛ یعنی مغرب‌دار می‌شود، عشاء‌دار می‌-

شود. یعنی شروع‌های مناسب، تصمیم‌های مناسب، اقدام‌های مناسب، بهره مناسب و نتیجه مناسب پیدا می‌کند و سیر ایام خواهد داشت. دو کار انجام شده است که فردا شب خدمتتان خواهیم گفت..

این روایت بسیار عجیبی است که دیدیم:

«عبد الواحد بن عبد الله، عن محمد بن جعفر القرشي، عن ابن أبي الخطّاب، عن عمر بن أبان، عن ابن سنان، عن أبي السائب قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد عليه السّلام: الليل اثنتا عشرة ساعة، و النهار اثنتا عشرة ساعة، و الشهور اثنا عشر شهرا، و الأئمة عليهم السّلام اثنا عشر إماما، و النقباء اثنا عشر نقيبا و إنّ عليّاً ساعة من اثنتي عشرة ساعة و هو قول الله عز و جل «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَاَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا»^۲.

شب ۱۲ ساعت، روز ۱۲ ساعت، ۱۲ ماه و دوازده ائمه و نقیب‌ها ۱۲ می‌باشد.

روایتی بدون ذکر ربط‌ها بیان شده است که در خانه اگر کس است یک حرف بس است! حتی ساعت‌ها را هم امام-دار کرده است و این حد انسان است که می‌تواند در هر ساعتی دریافتی متناسب با آن ساعت داشته باشد. این موضوع به دقیقه‌ها و لحظه‌ها تسری پیدا می‌کند و کاری می‌کند که تو در تمام لحظات امام‌دار شوی. خداوند نمی‌پسندد که کسی در لحظه‌ای بدون امام زندگی کند. بدون امام زندگی کردن برای یک فرد به معنای عدم حیات است.

حضرات شئون‌های مختلفی دارند و باید در هر شأنی، شئون‌هایشان رعایت شود. اگر امام را دیدید، جسم‌شان در بین جسم‌ها است، اشکالی ندارد که به ایشان غذا تعارف کنید. از سویی ارواحشان در بین ارواح است و این فرد در شأن روح، روحش در بین ارواح است اما نباید بگویی او مثل من است. برخی در مورد اهل بیت (علیهم السلام) غلو می‌کنند. ساعات باید علی‌دار شود؛ یعنی در هر لحظه وجود حکم الهی که رسول را همراه داشته باشد و این یعنی علی-دار بودن. این می‌شود علی‌دار بودن، اما ناگهان ما به ظاهر رجوع کردیم و آنجایی که می‌بایست شأن جسمانی او را می‌دیدیم، ندیدیم و اینگونه شد که ائمه (علیهم السلام) همه در سنین کم شهید شدند و میانگین سنی حضور ایشان در دنیا نهایت حدود چهل سال است که به خاطر عدم درک حقیقت است و اینکه در موقعی که می‌بایست برای جسم آنان شأن قائل می‌شد، اینگونه نشد. این یکی از اشکالات ما نیز هست، زمانی که حضرت حجت (عجل الله

^۲أعوالم العلوم و المعارف والأحوال-الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، النصوص، ص ۲۷۳

تعالی فرجه الشریف) ظهور می کنند، برخورد با ایشان خیلی سخت و گران تمام می شود. نمی توانیم بپذیریم که ایشان کاری کنند که یک انسان عادی دیگر هم انجام می دهد، مثلاً بگویند مجلس خبرگان بگذاریم.

این بحث، با شأن حقیقی اهل بیت (علیهم السلام) تناسب ایجاد می کند و ان شاء الله ما را امام دار نماید.

شب بسیار مقدس است چون مفهومی با حضرت صدیقه (سلام الله علیها) خیلی مرتبط است و درک شب معادل درک حضرت صدیقه (سلام الله علیها) است.

درک شب مقدم بر درک روز است لذا موفقیت در روز وابسته به موفقیت های شب است. هر ناکامی که انسان دارد وابسته به عدم موفقیت در شب است. باید اول شب، کمی استراحت کند و بعد بیدار شود و کمی نماز بخواند و بخوابد و بی قراری کند. اگر در شب بی قراری هایمان را نکنیم، در روز تلافی آن را بر سر مردم در می آوریم!

اگر کسی شب نداشته باشد، نمی تواند ظلم نکند! اگر سبک زندگی درست شود و موبایل ها کنار گذاشته شود، خیلی چیزها درست می شود. مجالس علمی در شب داشتن خیلی خوب و مفید است.

ان شاء الله خداوند به یمن میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها) ما را به شکلی که خودشان می خواهند در مسیر دوازده امامی شدن قرار دهد و ان شاء الله همه نواقصی که بر ما گذشته است، جبران شود، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات